

طرح مسأله

یکی از القاب امیرالمؤمنین علی (ع) که توسط رسول خدا (ص) به آن حضرت نسبت شده، لقب «یعسوب المؤمنین» است. این لقب با عنوان «یعسوب الدین» نیز از آن حضرت نقل شده است. در روایاتی که در منابع روایی اهل سنت و شیعه در باب «یعسوب المؤمنین» بودن علی (ع) نقل شده، به صورت ویژه بر روی تقابل میان دنیا طلبان و آخرت گرایان و شسان دادن میزانی برای تشخیص این دو جبهه تأکید صورت گرفته است. آخرت گرایان و به عبارت روشن‌تر، مؤمنان واقعی، شاخص و امیرشان علی (ع) است، به طوری که هرچه به او نزدیکتر شوند به درجه بالاتری از ایمان دست یافته‌اند. این به این معناست که هرکس از این شاخص فاصله بگیرد، به ورطه دنیا طلبی و ثروت اندوزی خواهد افتاد؛ لذا علی (ع) فرمود: «مال و ثروت یعسوب منافقان و کفار است» (نک: ابن عدی، ۵ / ۲۴۵ و ابن مردویه، ۶۴ و ابن عساکر، ۴۲ / ۳۰۴). در اینجا این سؤال مهم رخ نشان می‌دهد که انسان مؤمن چه ویژگی‌هایی دارد که به زنبور عسل تشیه شده و امیر و جلودار او نیز «یعسوب» نام گرفته است؟ در ادامه قصد داریم تا برای تبیین معنای دقیق این لقب، ابتدا به بررسی آن از نگاه ارباب لغت پردازیم و سپس از دیگر روایات موجود در منابع روایی اهل سنت که به نوعی به توضیح این سخن رسول خدا (ص) پرداخته‌اند و نیز اقوال علمای بزرگ متقدم آن‌ها بهره بجوییم. همچنین از آنجا که در مقام تبیین مفهوم «یعسوب المؤمنین» هستیم و نه اثبات صدور آن؛ لذا از روایات صادر از معصومین (علیهم السلام) که در منابع روایی شیعه نقل شده، نیز استفاده خواهیم نمود.

۱- بررسی لغوی واژه «یعسوب»

می‌توان ادعا کرد که ارباب لغت در مورد اصل واژه «یعسوب» اتفاق نظر دارند، اگرچه تعبیر آن‌ها مختلف است؛ تعبیری همچون: امیر زنبورهای عسل (خلیل بن احمد، ۱ / ۳۴۲ و ابن منظور، ۱ / ۵۹۹ و فیروزآبادی، ۱ / ۱۰۴ و طریحی، ۱۲۱ / ۲ و زبیدی، ۲ / ۲۳۲)، فحل زنبورهای عسل (خلیل بن احمد، ۱ / ۳۴۲ و ابن سلام، ۳ / ۴۳۹ و زبیدی، ۲ / ۲۳۲)، سید زنبورهای عسل (ابن سلام، ۳ / ۴۳۹ و طریحی، ۱۲۱ / ۲)، ملک زنبورهای عسل (جوهری، ۱ / ۱۸۱)، و رئیس زنبورهای عسل (فیروزآبادی، ۱ / ۱۰۴) معرفی شده است.

اما آنچه در بررسی لغوی این واژه اهمیت دارد، استعمال ثانوی آن در معنای امیر و رئیس یک قوم است. جوهری (م. ۳۹۳) در صحاح، پس از آنکه معنای اولیه یعسوب را بیان می‌دارد، به این نکته اشاره می‌کند که همانطور که به فرمانروای زنبورهای عسل «یعسوب» گفته می‌شود، به سید و آقای یک قوم هم «یعسوب» گفته می‌شود (نک: جوهری، ۱ / ۱۸۱). ابن منظور (م. ۷۱۱) به این

تحلیل مؤلفه‌های معنایی واژه «یعسوب الدین» در منابع روایی اهل سنت

سید محمد رضا فقیه ایمانی^۱

مهردی ایزدی^۲

چکیده

«یعسوب الدین» و «یعسوب المؤمنین» دو مدل افتخار است که از سوی رسول خدا (ص)، به علی (ع) عطا شده است. چالش مهم درباره این لقب در دو مقام ثبوت معنا و اثبات اعتبار آن است. در مقام ثبوت معنا این سؤال اساسی وجود دارد که انسان مؤمن چه ویژگی‌هایی دارد که به زنبور عسل تشیه شده و امیر او نیز «یعسوب» نام گرفته است؟ همچنین در مقام اثبات اعتبار، برخی از علمای اهل سنت منکر این فضیلت علی (ع) شده و آن را ساختگی برشمرده‌اند. در این مقاله برای اثبات صدور این لقب از جانب رسول خدا (ص)، روایات مربوطه در یک دسته‌بندی منطقی ارائه گردیده است. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مؤلفه‌های معنایی همچون: تقيه و حفظ اسرار، طهارت ظاهر و باطن، اطاعت از فرمان امیر، آزار نرساندن به دیگران، نافع بودن و برکت داشتن، می‌توان به درک بهتری از این لقب دست یافت.

کلید واژه‌ها: علی (ع)، یعسوب الدین، یعسوب المؤمنین، امیرالمؤمنین، تقيه، طهارت، اطاعت، آزار نرساندن، برکت

در روایتی که علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل نموده، آمده است که رسول خدا (ص) درباره آن حضرت فرمود: «علی «یعسوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «یعسوب» منافقان است» (ابن عدی، ۵ / ۲۴۵ و ابن مردویه، ۶۴ و ابن عساکر، ۴۲ / ۳۰۴ و سیوطی، ۲ / ۱۷۸ و ابن حجر هیتمی، ۱۲۵ و متقی هندی، ۱۱ / ۶۰۴). گفته است که در برخی از نقل‌ها به جای عبارت: «یعسوب منافقان» عبارت‌هایی مثل: «یعسوب ظالمان» (برای نمونه نک: اسکافی، ۲۵۱ و ابن عدی جرجانی، ۴ / ۲۲۹ و ابو نعیم اصفهانی، ۱ / ۸۶) و «یعسوب کافران» (برای نمونه نک: ابن عساکر، ۴ / ۴۲ و دمیری، ۲ / ۵۶۴) آمده است.

۲-۲- معرفی علی (ع) از زبان خود آن حضرت

أبو عبد الله جدلی نقل می‌کند که روزی به محضر أمیر المؤمنین علی (ع) وارد شدم. دیدم که در مقابلش مقداری طلا ریخته است. گفتم: ای امیر مؤمنان! اینها چیست؟ حضرت پاسخ داد: این «یعسوب» منافقان است. من به حضرت عرض کردم: ای مولای من! منظورتان چیست؟ علی (ع) پاسخ داد: این چیزی است که منافقان به آن پناه می‌برند و با آن آرامش می‌یابند؛ همانطور که من ملجاً و آرامش بخش مؤمنانم» (زجاجی، ۱ / ۶). همین مضمون توسط أبي مسعر نیز نقل شده است (نک: ابو نعیم اصفهانی، ۱ / ۸۶). در روایتی دیگر عبایه ربیعی، از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود: «من «یعسوب» مؤمنان و مال و ثروت، «یعسوب» ظالمان است» (ابو نعیم اصفهانی، ۱ / ۸۶). شایان ذکر است که در برخی از نقل‌های دیگر، قسمت دوم حدیث، یعنی: «یعسوب فجار» (برای نمونه نک: زمخشri، ۱ / ۴۰) و «یعسوب کفار» (برای نمونه نک: ابن اثیر، ۵ / ۲۹۸) نقل شده است.

۲-۳- روایات موسی بن جعفر از اجداد پاکش (علیهم السلام)

امام کاظم (ع) از اجداد پاکش (علیهم السلام) نقل می‌کند که رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: «تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «یعسوب» مؤمنان هستی و مال و ثروت، «یعسوب» ظالمان است» (شجری جرجانی، ۱ / ۵۸).

۲-۴- روایت ابو رافع از جدش از ابوذر

در این روایت، ابو رافع از جدش و او نیز از ابوذر نقل می‌کنند که گفته: «شنیدم رسول خدا (ص) به علی (ع) می‌گفت: تو اولین کسی هستی که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد و تو اولین کسی هستی که در روز قیامت با من مصافحه خواهی کرد. تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «یعسوب» مؤمنان هستی و مال و ثروت، «یعسوب»

نکته تصریح می‌کند که معنای اصلی واژه «یعسوب»، امیر زنبورهای عسل است؛ اما در اثر کثرت استعمال به هر رئیسی «یعسوب» گفته می‌شود (نک: ابن منظور، ۱ / ۵۹۹). فیروزآبادی (م. ۱۸۷) نیز یکی از معانی «یعسوب» را «رئیس بزرگ» بر می‌شمرد (نک: فیروزآبادی، ۱ / ۱۰۴). طریحی (م. ۱۰۸۵) رفتار زنبورهای عسل در تبعیت از رهبرشان را آنقدر مثال زدنی و نمونه می-داند که باعث شده به عنوان ضرب المثل به کار برسد. وی در بیان علت این مسأله می‌نویسد: «وقتی امیر زنبورها، از کندو خارج می‌شود، تمام زنبورهای عسل وی را همراهی و تبعیت می‌کنند» (طریحی، ۲ / ۱۲۱). سپس به سخن پیامبر (ص) اشاره می‌کند که فرمود: «[یا علی] تو یعسوب مؤمنان هستی و مال و ثروت یعسوب ظالمان است» (نک: اسکافی، ۲۵۱ و ابن عدی جرجانی، ۴ / ۲۲۹ و ابو نعیم اصفهانی، ۱ / ۸۶) و می‌گوید: به همین دلیل است که به علی (ع)، «امیر النحل» گفته می‌شود (طریحی، ۲ / ۱۲۱).

بررسی کتب لغت نشان می‌دهد که کاربرد این واژه در معنای دوم، در قرون اولیه اسلامی در حال رواج یافتن بوده و در آن زمان هر دو معنا به کار می‌رفته است؛ اما پس از گذشت مدّتی و به سبب استعمال فراوان به صورت یک اسم علم درآمده است. بنابراین می‌توان گفت گرچه در کاربردهای روایی، عبارت «یعسوب المؤمنین» تعبیر دیگری از لقب: «امیر المؤمنین» است؛ لکن باید توجه داشت با توجه به اینکه کاربرد اول، هنوز رائج بوده، این تعبیر خالی از لطائف دقیق و طریف نیست و گویا رسول خدا (ص) به نوعی، جامعه زنبور عسل تشبیه کرده‌اند. در قسمت-های آتی به برخی از این لطائف اشاره خواهیم کرد.

۲- دسته بندی روایات

برخی از علمای اهل سنت منکر این فضیلت علی (ع) شده و آن را ساختگی برشمرده‌اند. برای نمونه ابن جوزی (م. ۵۹۷) در العلل المتناهی، حدیث: «علی یعسوب المؤمنین و المال یعسوب المنافقین» را غیر صحیح و جعلی می‌خواند (نک: ابن جوزی، ۱ / ۲۴۱). زرکشی (م. ۷۹۴) در الالیء المنشورة، حدیث «امیر النحل علی» را جزو جملات شهرت یافته در میان مردم می‌داند (نک: زرکشی، ۱ / ۹۰۲) و سخاوی (م. ۱۷۵) و سخاوی (م. ۱۶۶) در المقاصد الحسنة، آن را بدون اصل بر می‌شمرد (نک: سخاوی، ۱ / ۱۶۶). برای پاسخ به این تشکیکات به ارائه مستندات و گزارش‌های موجود در منابع روایی و تاریخی اهل سنت می‌پردازیم. این گزارش‌ها از سوی چند تن از صحابه و تابعین نقل شده که برای ارائه بهتر مطلب به دسته بندی این روایات می‌پردازیم:

۲-۱- روایت علی (ع) از رسول خدا (ص)

تاکنون معنای لغوی واژه «یعسوب» و روایات و گزارش‌های تاریخی فراوانی که توسط علمای بزرگ اهل سنت نقل شده و در آن به صراحة، علی (ع)، «یعسوب المؤمنین» و «یعسوب الدین» نام گرفته بود، از نظر گذشت. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های معنایی واژه «یعسوب» که می‌تواند تشییه صورت گرفته میان جامعه انسانی و جامعه زنبور عسل را موجه نشان دهد، اشاره می‌کنیم:

۱-۳- تقیه و حفظ اسرار

تقیه از ارکان مذهب حقه امامیه و از ملازمات انسان مؤمن در شرائط حساس است تا آنجا که در متون اسلامی کسی که این امر را نپذیرد، بی دین معرفی شده است (نک: کلینی، ۲/ ۲۱۷). انسان مؤمن با این کار، نه تنها به ارزش‌های والای انسانی و الهی خود بی‌توجهی نمی‌کند؛ بلکه با زیرکی خود، موجبات تداوم مذهب حق شیعه را فراهم می‌آورد. در جوامع روایی اهل سنت و شیعه، روایاتی وجود دارد که انسان مؤمن را از این منظر با زنبور عسل مقایسه نموده است. در ادامه به چند دسته از این نوع روایات اشاره می‌کنیم:

۱-۱-۳- حدیث: «شیعتنا بمنزلة النحل»

امام صادق (ع) در سخنی خطاب به اصحاب خود می‌فرماید: "بخاطر حفظ دینتان تقیه کنید، و دینتان را با تقیه زیر پرده مخفی دارید؛ زیرا هر کس تقیه ندارد، ایمان ندارد. همانا شما در میان مردم، مانند زنبور عسل در میان پرندگانید" (برقی، ۱/ ۲۵۸ و کلینی، ۲/ ۲۱۸). آن حضرت سپس در مقام تبیین این تشییه خود اضافه می‌کند: "اگر پرندگان بدانند، در درون زنبور عسل چیست، همه آنها را می‌خورند؛ به همین صورت، اگر مردم از آنچه در درون شماست - یعنی حب ما اهل بیت - مطلع شوند، با ساعیت و سخن چینی آن قدر شما را آزار خواهند داد، تا بالآخره شما را ریشه کن و نابود نمایند" (برقی، ۱/ ۲۵۸ و کلینی، ۲/ ۲۱۸). گفتنی است ابن بابویه (م. ۳۸۱ق) در کتاب خصال، ضمن نقل حدیث اربعمائة امیرالمؤمنین (ع)، این قسمت از کلام آن حضرت را آورده که فرمود: "شیعیان مانند زنبور عسل هستند؛ اگر مردم از آنچه در درون آنهاست - یعنی حب ما اهل بیت - مطلع شوند، با ساعیت و سخن چینی خود آنها را ریشه کن و نابود می‌کنند" (ابن بابویه، ۶۲۵).

از روایت فوق استفاده می‌شود که یکی از اسراری که مؤمن در شرائط خاص، مأمور به مخفی نمودن آن است، مذهب است؛ زیرا همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های ائمه طاهرین (علیهم السلام)، حفظ شیعیان از خطر و بقای این صراط مستقیم تا قیام قیامت بوده است.

۱-۱-۳- حدیث: «کونوا في الناس كالنحلة»

امیرالمؤمنین علی (ع) به یاران و شیعیان خود می‌فرمود: "در میان مردم، مانند زنبور عسل در میان پرندگان دیگر باشید؛ زیرا هیچ پرنده‌ای نیست، مگر اینکه او را خوار و حقیر می‌شمرد. اما همین

ظالمان است" (بزار، ۹/ ۳۴۲ و ابن مردویه، ۶۵ و شجری جرجانی، ۱/ ۱۸۹ و ابن عساکر، ۴۲ / ۱۳ و ابن أبي الحدید، ۲۲۸/ ۱۳). در برخی از منابع نیز تنها این قسمت از کلام رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) نقل شده که: "تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «یعسوب» مؤمنانی" (نک: طبری، ۵۶).

۲- روایت ابو سخیله از ابوذر و سلمان

«ابوسخیله» راوی دیگر این جریان است. وی از دو صحابی بزرگ پیامبر (ص) یعنی ابوذر و سلمان نقل می‌کند که رسول خدا (ص) دست علی (ع) را گرفت و فرمود: "همانا این فرد اولین کسی است که به من ایمان آورده و او اولین کسی خواهد بود که در روز قیامت با من مصافحه خواهد کرد. او صدیق اکبر و فاروق است؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. او «یعسوب» مؤمنان و مال و ثروت، «یعسوب» ظالمان است (طبرانی، ۶/ ۲۶۹ و ابن عساکر، ۴۱/ ۴۲ و کنانی، ۱/ ۳۵۳ و مناوی، ۴/ ۳۵۸). برخی از علمای اهل سنت این ماجرا را با اندکی تفاوت نقل نموده‌اند (برای نمونه نک: بلاذری، ۱/ ۲۸۲ و متقی هندی، ۱۱/ ۶۱۶).

۲- روایت ابو لیلی غفاری از رسول خدا (ص)

«ابو لیلی غفاری» یکی دیگر از صحابه‌ای داشت که از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: "بعد از من فتهه بزرگی پدید خواهد آمد؛ پس هرگاه چنین شد، بر شما باد که ملازم علی بن ابی طالب (ع) باشید؛ زیرا همانا او اولین کسی بود که به من ایمان آورده و او اولین کسی خواهد بود که در روز قیامت با من مصافحه خواهد کرد. او صدیق اکبر و فاروق این امت است. او «یعسوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «یعسوب» منافقان است." (ابن حجر، ۷/ ۲۹۴).

۲- روایت ابن عباس

در روایتی دیگر، هشدار نسبت به وقوع فتهه‌ای عظیم و دعوت به ملازمت با علی (ع) از زبان «ابن عباس» که یکی از صغیر صحابه محسوب می‌شود، نقل شده است. وی در بیان علت دعوت به این ملازمت می‌گوید: "من از رسول خدا (ص) در حالی که دستان علی (ع) را گرفته بود، شنیدم که می‌فرمود: این فرد اولین کسی است که به من ایمان آورده و او اولین کسی خواهد بود که [در روز قیامت] با من مصافحه خواهد کرد. او فاروق این امت است؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. او «یعسوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «یعسوب» ظالمان است. او صدیق اکبر، خلیفه بعد از من و بابی است که باید از او وارد شد" (ابن مردیه، ۶۶ و ابن عساکر، ۴۲/ ۴۲).

۳- تحلیل معنایی با استفاده از خانواده حدیثی

از مساعدة بن صدقة از امام صادق (ع) نقل شده است (نک: عیاشی، ۲/۲۶۴). در میان علمای اهل سنت نیز، ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶ق) در الأغانی، به این مطلب در خلال بیان یک واقعه تاریخی اشاره کرده است (نک: ابوالفرج اصفهانی، ۳/۱۱۱). بنابراین انسان مؤمن وظیفه دارد که این معارف ناب را در سینه خود نگاه دارد و آن را به اهش و اگذارد. به عنوان مؤیدی بر ارتباط مؤلفه علم در معنای «یعسوب المؤمنین»، می‌توان به مواردی اشاره کرد که علی (ع) تحدی به پرسش می‌کند و می‌فرماید: «از من پرسید قبل از آنکه مرا از دست بدھید. به خدا سوگند، من به راه‌های آسمان عالم ترم تا به راه‌های زمین». سپس بلافصله بعد از این سخنان می‌فرماید: «أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ» (برای نمونه نک: مجلسی، ۵۲/۲۷۲).

۲-۳- طهارت ظاهر و باطن

در منابع روایی فرقین، روایاتی با این مضمون به چشم می‌خورد که در آن، مؤمن به زنبور عسل تشبيه شده است. در منابع اهل سنت از رسول خدا (ص) نقل شده که آن حضرت در بیان وجه این تشبيه فرمود: «به این خاطر که هر دو تنها از طبیات تناول می‌نمایند و تنها محصولات طیب و ظاهر تحویل می‌دهند» (نک: حاکم نیشابوری، ۱/۷۵ و رامهرمزی، ۶۷ و هیثمی، ۱۰/۲۹۵). برخی متن این روایت را به عبد الله بن عمرو عاص منسوب دانسته و ازوی نقل کرده‌اند (نک: ابن ابی شیبة، ۸/۱۴۱ و بیهقی، ۵/۵۸). اما در میان روایات شیعه، روایتی از امام صادق (ع) وارد شده که آن حضرت از اجداد طاهرش نقل می‌کند که رسول خدا (ص) مؤمنان را از کشنن چند حیوان منع فرموده بود که یکی از آنها زنبور عسل است. سپس در بیان وجه این منع در مورد زنبور عسل فرمود: "...اما منع از کشنن زنبور عسل، به این خاطر است که او جز از طبیات تناول نمی‌کند و ازوی نیز چیزی جز طیب و پاک خارج نمی‌شود و او همان موجودی است که خدای عزوجل بر او وحی فرموده است (ابن بابویه، ۳۲۷ و حر عاملی، ۸/۲۷). نکته محوری این دسته از روایات آن است که انسان مؤمن همان گونه که زنبور عسل از چیزهای آلوده، دوری می‌کند؛ از گناهان و پیلیدی‌ها و آلودگی‌های جسمی و روحی اجتناب می‌ورزد.

همان طور که قبلاً نیز بیان شد، یعسوب، امیر زنبورهای عسل است و از همه آنها نیز با درایت‌تر. وی بر در کندو ایستاده و دهان هر زنبور عسلی که می‌خواهد وارد کندو شود را می‌بیند. چنانکه از دهان آن زنبور بوی بدی استشمام کند، متوجه می‌شود که از گیاه بدی تغذیه کرده؛ لذا او را به دو نیم کرده و جسدش را بر در کندو می‌اندازد تا موجب عبرت برای دیگران گردد. سبط ابن جوزی در تذكرة الخواص در بیان وجه تسمیة امیرالمؤمنین به یعسوب المؤمنین ضمن اشاره به همین لطیفه می‌نویسد: «علی (ع) نیز بر در بهشت می‌ایستد و دهان همه مردم را می‌بیند. پس هرگز به اندازه

پرندگان اگر از برکتی که در شکم زنبور عسل وجود دارد مطلع بودند، هرگز با او اینگونه رفتار نمی‌کردند و او را رهان نمی‌ساختند» (نعمانی، ۲۱۷ و مفید، ۱۳۱). آن حضرت سپس به بیان خود توصیه می‌کند که به گونه‌ای در میان مردم زندگی کنند که تنها بدن‌هایشان در میان آنها باشد و اعمال و قلب‌هایشان متأثر از آنها نباشد (نک: نعمانی، ۲۱۷ و مفید، ۱۳۱).

علامه مجلسی در تبیین مراد حضرت از امر به بودن مثل زنبور عسل می‌نویسد: «این فرمان امام، امر به تقدیه است؛ یعنی مؤمنان نباید دین حقی که بر آن هستند - یعنی شیعه علی (ع) - را اظهار نمایند و باید مانند زنبور عسل آنچه را در درون دارند، پنهان نگه دارند والا نابود می‌شوند» (مجلسی، ۵۲/۱۱۶). جالب توجه آنکه بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت، این کلام حضرت خطاب به شیعیانش را به طور کامل نقل نموده‌اند (برای نمونه نک: دارمی، ۱/۹۲ و ابن عساکر، ۴۲/۵۰۹ و زرندی، ۱۵۱ و ابن حجر هیتمی، ۱۳۰).

اما نوع دیگر تقدیه، پنهان داشتن اسرار خاندان عترت و طهارت است. روایات متعددی وجود دارد که در آن، سخنان اهل بیت، «صعب مستصعب» نامیده شده است. در این گونه روایات به شیعیان توصیه شده که هر سخنی که از خاندان پیامبر (ص) به آنها رسید و دل‌هایشان در برابر آن آرامش یافتد و آن را آشنا دید، پیذیرند و سخنی را که دلشان از آن رمید و ناآشناش دید، به خدا و پیامبر و عالم آلمحمد (صلوات الله علیہم اجمعین) واگذارند (نک: کلینی، ۱/۴۰۱). همچنین به آنها توصیه شده تا احادیثی را که در جمع‌های خصوصی و برای شیعیان خاص بیان شده، در سینه حفظ کرده و افشانه نمایند؛ زیرا اگر این سخن را برای اهله بازگو نمایند، از آنجا که پذیرش این سخن برای وی سنگین می‌نماید، آن را انکار می‌نماید؛ و به همین سبب از ولایت اهل بیت خارج شده و این امر موجبات کفر او را فراهم می‌آورد (نک: کلینی، ۲/۲۲۳). همچنین در روایات، از افشاء اسرار اهل بیت (علیہم السلام) به عنوان قتل عمد ایشان یاد شده است (نک: برقی، ۲۵۶). در برخی از روایات تفسیری که بیشتر جنبه تأویلی دارد، نیز ضمن اینکه در آن اهل بیت (علیہم السلام) به عنوان نحل معرفی شده‌اند، به این نکته نیز اشاره شده که منظور از آنچه از شکم نحل خارج می‌شود، معارف توحیدی و علم سرشار خاندان نبوت است. برای نمونه در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (م. ۳۲۹ق)، روایت مسنندی از حربیز بن عبد الله از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت در تفسیر آیه: «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ» (النحل، ۶۸) فرمود: «ما نحل هستیم که خدای عزوجل بر او وحی کرد» (قمی، ۱/۳۸۷). سپس در بیان فراز بعدی آیه یعنی: «يَحْرُجُ مِنْ بُطْوَنِهَا سَرَابٌ مُخْتَلِفٌ الْوَانُهُ» (النحل، ۶۹) فرمود: «منظور علمی است که از قبیل ما به شما می‌رسد» (قمی، ۱/۳۸۷). مضمون همین روایت، در تفسیر عیاشی (م. ۳۲۰ق) - البته با اضافاتی -

خود دفاع می نماید. امام صادق (ع) در بیان ویژگی های انسان مؤمن، می فرمایند: مؤمن کسی است که مردم از شر او در امانند و او با مردم با انصاف رفتار می کند (کلینی، ۲/۲۳۵).

۵-۵- نافع بودن و برکت داشتن

زنبور عسل با تولید عسل، به انسان ها خیر فراوان می رساند. در مبحث تدقیقی به روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) اشاره شد. در این قسمت نیز قصد داریم به این روایت از منظر دیگری توجه کنیم. علی (ع) به یاران و شیعیان خود فرمود: "در میان مردم، مانند زنبور عسل در میان پرندگان دیگر باشید؛ زیرا هیچ پرنده ای نیست، مگر اینکه او را خوار و حقیر می شمرد. اما همین پرندگان اگر از برکتی که در شکم زنبور عسل وجود دارد مطلع بودند، هرگز با او اینگونه رفتار نمی کردند و او را رهان نمی ساختند" (نعمانی، ۲۱۷ و مفید، ۱۳۱). در این روایت، در مورد آنچه در درون شکم زنبور عسل است، تعبیر به برکت شده است. از سوی دیگر گفته شده که زنبور عسل در نگاه ظاهری پرندگان، موجودی حقیر و بی مایه جلوه می کند. انسان مؤمن نیز وجودش برای جامعه پر از خیر و برکت است و بسیاری از بلaha، به برکت وجود او از اهل معصیت برداشته می شود (نک: کلینی، ۱/۵۲۸)؛ اما معمولاً این انسان ها، در میان افراد جامعه، افرادی حقیر به حساب می آیند و مردم قدر و منزلت آنها را نمی شناسند. علی (ع) در خطبه ای که به نام «متقین» مشهور است، برخی از صفات اهل تقوا را برمی شمرد. از جمله می فرماید: "پرهیزکاران در روز، دانشمندانی بردبار و نیکوکارانی با تقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده، لاغر کرده است. کسی که به آنها می نگردد، گمان می کند که بیمارند؛ اما آنان بیمار نیستند. در مورد آنها می گوید: چقدر آشفته اند از صورتی که آشفته گی ظاهريشان، نشان از امر بزرگی است (شريف رضي، خطبه ۱۹۳).

۴- تحلیل معنایی با استفاده از دیگر روایات مرتبط

در این قسمت به روایات نظیری اشاره می شود که اگرچه در آن به صورت مستقیم به زنبور عسل اشاره نشده و جزء خانواده حدیثی محسوب نمی شوند؛ اما تحلیل معنایی این گونه روایات، به طور غیر مستقیم، ما را در فهم بهتر و عمیق تر احادیث مورد بحث یاری خواهد نمود.

۴-۱- «أنت أمير المؤمنين» و «الحق مع على و على مع الحق»

در ابتدای کلام به میزان اعتبار این دو حدیث در کتب اهل سنت می پردازیم. اطلاق لقب «امیرالمؤمنین» بر علی (ع) در زمان رسول خدا (ص) و توسط خود آن حضرت صورت گرفته و این فضیلت بزرگ تنها به ایشان اختصاص دارد. روایات متعددی در کتب معتبر اهل سنت وجود دارد که این حقیقت را ثابت می کند. برای نمونه در روایتی از بربیده اسلامی نقل شده که گفته: "رسول خدا (ص) به ما فرمان داد که هرگاه می خواهیم به علی (ع) سلام دهیم، بگوییم: «السلام

ذره ای را تھے بعض علی (ع) از دهانش به مشام برسد، علی (ع) وی را در آتش می اندازد (سبط ابن جوزی، ۴ و ۵).

۳-۳- اطاعت از فرمان امیر

یکی از وجوه تشابه میان زنبور عسل و انسان مؤمن، این است که هر دو مطیع و منقاد امیر و فرمانده خود هستند (نک: ابن اثیر، ۵/۳۰). زنبور عسل، آنچه را که دوست دارد، انجام نمی دهد؛ بلکه در سطح کلان طبق فرمان خالق خوبیش و در سطح حیات اجتماعی طبق فرمان امیر کند و عمل می کند. قرآن کریم، زنبور عسل را مطیع امر پروردگارش معرفی می کند به طوری که دقیقاً طبق آنچه به او فرمان داده شده مراحل تولید عسل را طی می کند (نک: التحل، ۶۸ - ۶۹). از سوی دیگر و در سطح حیات اجتماعی، زنبورهای عسل در کندو تحت فرمان امیری قرار دارند که یعسوب نامیده می شود. عادت زنبورهای عسل این است که هرگز بدون یعسوب خود از کندو خارج نمی شوند و هنگام بازگشت نیز به همراه او و پشت سر او حرکت می کنند. یعسوب در میان آنها کاملاً مطاع است و آنها هرگز از دستورات او سرپیچی نمی کنند (نک: دمیری، ۲/۵۶۵). در مقابل، یعسوب نیز وظیفه دارد تا از زنبورهای عسل حمایت کرده و تدبیر امور آنها را بر عهده بگیرد. جایگاه او در نظام اجتماعی زنبورهای عسل بقدرتی کلیدی و محوری است که اگر از میان برود، نظام کندو مختل شده و همه چیز به هم می ریزد (نک: طبرسی، ۶/۱۷۷ و فیض کاشانی، ۳/۱۴۴). علی (ع) برای بیان جایگاه خود در میان مؤمنین، از گویاترین تشییه ها استفاده کرده و خود را یعسوب المؤمنین نامیده است. دمیری در حیة الحیوان پس از توضیح واژه یعسوب، به روایت پیامبر (ص) اشاره می کند که در آن علی (ع) از سوی ایشان یعسوب المؤمنین خوانده می شود. سپس می نویسد: "معنای این عبارت آن است پناه مؤمنان و الگو و اسوه آنها علی (ع) است. از همین روست که به علی (ع) امیر التحل نیز گفته شده است" (دمیری، ۲/۵۶۵). شریف رضی نیز در شرح کلام حضرت در نهج البلاغه به مسئله تبعیت مؤمنان از امیر خود اشاره می کند (شریف رضی (به کوشش دشتی)، حکمت ۳۱۶). انسان مؤمن، امیال نفسانی خود را امیر خود قرار نمی دهد، بلکه مطیع فرمان امیرالمؤمنین است.

۴-۴- آزار رساندن به دیگران

یکی از ویژگی های زنبور عسل بی آزار بودن است. این حیوان فقط در موقع خطر، آن هم برای دفاع از خود، نیش می زند. از جمله مشابههای میان زنبور عسل و انسان مؤمن نیز، همین کم آزار بودن اöst (نک: ابن اثیر، ۵/۳۰). فرد با ایمان به گونه ای است که مردم از دست و زبان او در امانند. او ظالم و در صدد آزار رساندن به دیگران نیست؛ بلکه تنها در شرایطی که ایجاب می کند، از

خدا (ص) در حق علی (ع) نمود که: «خدایا هر کجا علی (ع) هست، حق را همان جا قرار ده.» (نک: ابن أبيالحدید، ۲۲۴ / ۱۹).

۴-۲- «لا يجلك إلا مؤمن ولا يبغضك إلا منافق» و «أنا قسيم النار والجنة» بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت این دو حدیث را در کتب خود نقل نموده‌اند. برای نمونه احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ ق) در مسنده خود و ترمذی (م. ۲۷۹ ق) و نسائی (م. ۳۰۳ ق) در سنن خود، این سخن رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) را نقل کرده‌اند که فرمود: «ای علی تو را جز انسان مؤمن دوست نمی‌دارد و هر کس بغض تو را در دل داشته باشد، منافق است» (ابن حنبل، ۹۵ / ۱، ۱ / ۹۵ و ترمذی، ۵ / ۳۰۶ و نسائی، ۸ / ۱۱۶) و اما کلام علی (ع) که فرمود: «من تقسیم کننده آتشم» را بزرگانی همچون ابن قتیبه دینوری (م. ۲۷۶ ق) در غریب الحدیث، جرجانی (م. قرن ۵) در أمالی، ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق) در البداية و النهاية نقل نموده‌اند (نک: دینوری، ۱ / ۳۷۷ و جرجانی، ۱ / ۱۷۷ و ابن کثیر، ۴ / ۶۱).

حال که از اعتبار این احادیث در کتب اهل سنت اطمینان یافتیم، به سراغ موضوع اصلی بحث می‌رویم. در بخش (۲-۳) که به طهارت ظاهري و باطنی مؤمن به عنوان یکی از مشابهت‌های او با زنبور عسل اشاره کردیم، کلام لطیفی از سبط ابن جوزی، در بیان وجه تسمیة امیرالمؤمنین به «یعسوب المؤمنین» را ذکر کردیم که در اینجا نیز به فراخور حال دوباره آن را متذکر می‌شویم. وی می‌نویسد: «علی (ع) بر در بهشت می‌ایستد و دهان همه مردم را می‌بوشد. پس هر کس به اندازه ذره- ای رانحه بغض علی (ع) از دهانش به مشام برسد، علی (ع) وی را در آتش می‌اندازد (سبط ابن جوزی، بی‌تا: صص ۴ و ۵). با این تبیین، ارتباط وثیقی میان معنای این لقب و معنای دو حدیث مذکور آشکار می‌گردد؛ زیرا حداقل معنائی که از عبارت «أنا قسيم الجنه والنار» برداشت می‌شود، همین معنایی است که سبط ابن جوزی به آن اشاره نمود. مؤید این معنا روایتی است که محمد بن منصور طوسی از احمد بن حنبل نقل می‌کند. وی در پاسخ به فردی که از معنای قسم النار والجنة بودن علی (ع) سؤال می‌نمود، گفت: «آیا این سخن رسول خدا (ص) را نشینیده‌ای که فرمود: ای علی تو را جز انسان مؤمن دوست نمی‌دارد و هر کس بغض تو را در دل داشته باشد، منافق است؟ محمد می‌گوید: آن شخص و ما که در نزد احمد بودیم همگی گفتیم: آری شنیده‌ایم. ابن حنبل گفت: جایگاه مؤمن کجاست؟ پاسخ دادیم: بهشت. احمد دوباره پرسید: جایگاه منافق کجاست؟ ما جواب دادیم: آتش. احمد گفت: پس علی تقسیم کننده بهشت و آتش در میان بندگان است» (جرجانی، ۱ / ۱۷۷). به عنوان کلام آخر در این بخش به سخن آلوسی اشاره می‌کنیم که در تبیین معنای قسم النار والجنة می‌نویسد: «مراد علی (ع) از این سخن که گفت: «أنا قسيم النار والجنة»

علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله وبرکاته» (ابن عساکر، ۴۲ / ۳۰۳). همواره خلیفه دوم نقل می- کند که در شأن علی (ع) گفت: «این علی بن ابی طالب است. من خود شاهد بودم که رسول خدا (ص) می‌فرمود: اگر آسمان‌های هفتگانه و هفت طبقه زمین را در یک کفه ترازو و ایمان علی (ع) را نیز در کفه دیگر قرار دهند، به راستی ایمان علی (ع) سنگینی خواهد کرد» (ابن عساکر، ۴۲ / ۳۴۱). از شواهد مهم دیگری که می‌توان برای تسمیة آن حضرت به «امیرالمؤمنین» یاد کرد، این جمله معروف «ما أنزل الله آية فيها: (يا أيها الذين آمنوا) إلا وعلي أميرها» است که توسط چند تن از صحابه رسول خدا (ص) و تابعین آن حضرت با عبارت‌های گوناگون نقل گردیده است (برای نمونه نک: ابن ابی حاتم رازی، ۱ / ۱۹۶ و ۳ / ۷۱۸ و ۵ / ۱۶۶۹ و طبرانی، ۱ / ۲۱۱ و حسکانی، ۱ / ۳۰ و ۶۷ و ۶۸ و ابو نعیم اصفهانی، ۱ / ۶۴ و ابن عساکر، ۴۲ / ۳۶۳). همچنین هیچ مدرکی دال بر اطلاق این لقب در زمان حیات رسول خدا (ص) بر خلافی سه گانه اهل سنت وجود ندارد. ابن خلدون (م. ۸۰۸ ق) در مقدمه تاریخش، تسمیه خلیفه با نام «أميرالمؤمنين» را از مستحدثات بوجود آمده در دوران خلفاء می‌داند (نک: ابن خلدون، بی‌تا: ج ۱ / ص ۲۲۷). ابن حجر (م. ۸۵۲ ق) در فتح الباری و عینی (م. ۸۵۵ ق) در عمدة القاری بر این مطلب تصريح دارند که اولین کسی که با عنوان «أميرالمؤمنين» خوانده شد، عمر بود و پیش از آن ابوبکر با عنوان خلیفه رسول خدا (ص) در میان مردم شهرت داشت (نک: ابن حجر، ۷ / ۲۸۵ و عینی، ۱۷ / ۱۶۰). اما در باره اعتبار حدیث دوم گفتنی است این عبارت، سخن مشهوری از رسول خدا (ص) است که آن را در حق علی (ع) فرمود. علمای بزرگ اهل سنت با عبارات مختلف این روایت را نقل کرده‌اند (برای نمونه نک: خطیب بغدادی، ۱ / ۱۴ و ۲ / ۳۲۲ و ابن عساکر، ۴ / ۴۹ و ۱۹ / ۴۲ و ابن معازلی، ۱ / ۱۱۹ و ابن ابی الحدید، ۲ / ۲۹۷ و هیثمی، ۷ / ۲۳۵ و فخر رازی، ۱ / ۲۰۵). ابن ابی الحدید، در شرح حکمت ۳۲ نهج البلاغه که در آن امیرالمؤمنین (ع) خود را «یعسوب المؤمنین» معرفی می‌نماید، اظهار می‌دارد که این لقبی است که رسول خدا (ص)، علی (ع) را با آن مورد خطاب قرار داد؛ گاهی با لفظ «یعسوب الدین» و گاهی با لفظ «یعسوب المؤمنین» (نک: ابن ابی الحدید، ۴ / ۲۲۴). سپس بنا بر هر کدام از این الفاظ، معنایی را ارائه می‌دهد. وی معتقد است که حضرت با خطاب قرار دادن علی (ع) با لقب «یعسوب المؤمنین» گویی او را به عنوان رئیس و آقای مؤمنان معرفی نموده است (نک: ابن ابی الحدید، ۱۹ / ۲۲۴). به عبارت دیگر ابن ابی الحدید، «یعسوب المؤمنین» را تعبیر دیگری از لقب «أميرالمؤمنين» می‌داند. اما از نگاه او، عبارت «یعسوب الدین» حامل این معنای است که رسول خدا (ص) دین را تابع علی (ع) دانسته که به دنبال او حرکت می‌کند، آنگونه که زنبور عسل به دنبال امیر خود حرکت می‌کند و این همان معنای دعایی است که رسول

«یعسوب الدین» حامل این معناست که رسول خدا (ص) دین را تابع علی (ع) دانسته که به دنبال او حرکت می‌کند، آنگونه که زنبور عسل به دنبال امیر خود حرکت می‌کند و این همان معنای دعایی است که رسول خدا (ص) در حق علی (ع) نمود که: «خدایا هر کجا علی (ع) هست، حق را همان جا قرار ده.

رسول خدا (ص) با خطاب قرار دادن علی (ع) با لقب «یعسوب المؤمنین» او را به عنوان رئیس و آقای مؤمنان معرفی نموده است. به عبارت دیگر «یعسوب المؤمنین» تعبیر دیگری از لقب «أمير المؤمنين» است.

در روایات انسان مؤمن به زنبور عسل تشبیه شده است. در این تشبیه می‌توان به چند مؤلفه معنایی به عنوان وجه تشابه اشاره نمود؛ مانند: تقيیه و حفظ اسرار، طهارت ظاهر و باطن، اطاعت از فرمان امیر، آزار نرساندن به دیگران، نافع بودن و برکت داشتن.

كتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن أبي الحديدة، عبد الحميد، شرح نهج البلاغة، قاهره: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ق.
- ۳- ابن أبي حاتم رازی، عبد الرحمن، تفسیر القرآن العظيم، بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۴ق.
- ۴- ابن أبي شيبة، عبد الله، المصنف، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۹ق.
- ۵- ابن أثیر، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، قم: مؤسسة إسماعيليان، ۱۳۶۴ش.
- ۶- ابن بابویه، محمد بن علی، الحصول، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۳ق.
- ۷- ابن جوزی، عبد الرحمن، العلل المتناهية في الأحاديث الواهية، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۳ق.
- ۸- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، بيروت: دار المعرفة، بی تا.
- ۹- همو، الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
- ۱۰- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، بيروت: دار النشر، ۱۳۸۵ق.
- ۱۱- ابن خلدون، عبد الرحمن، تاریخ ابن خلدون، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- ۱۲- ابن سلام، قاسم، غریب الحديث، بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۳۸۴ق.
- ۱۳- ابن عدی جرجانی، عبد الله، الكامل في ضعفاء الرجال، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۹ق.
- ۱۴- ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ق.
- ۱۵- ابن قبیة دینوری، عبد الله، غریب الحديث، قم: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- ۱۶- ابن کثیر، اسماعیل، البداية والنهاية، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق.
- ۱۷- ابن مجاور شبیانی، یوسف بن یعقوب، تاریخ المستبصر، بی جا، دار النشر، بی تا.
- ۱۸- ابن مردویه اصفهانی، احمد بن موسی، مناقب علی بن ابی طالب (ع)، قم: دار الحديث، ۱۴۲۴ق.

این است که مردم در این امت دو گروهند: گروهی با من هستند؛ اینان هدایت یافته‌اند و گروهی هم علیه من هستند؛ اینان گمراه شدگانند. پس گروهی با من در بهشت هستند و گروهی نیز در آشند (آلسوی، ۱۱۹ / ۳۰).

۵- سبب صدور این لقب از جانب رسول خدا (ص)

در کتاب «تاریخ المستبصر» سبب صدور جالبی به نقل از عیسی بن ابی البرکات برای این تسمیه ذکر شده است. ماجرا از این قرار است که در زمان جاهلیت قبیله «بنی سلیم» تعداد بسیار زیادی زنبور عسل داشتند و زمانی که دشمن به آنها حمله می‌کرد، در کندوهای آنها دود ایجاد می‌کردند. در این هنگام زنبورهای عسل بیرون می‌آمدند و توده عظیم سیاه رنگی شیشه ابر، بر سر دشمن پدید آوردند و دشمن که از مشاهده آنها ترسیده بود، فرار می‌کرد. بنی سلیم با این شیوه بر تمامی دشمنان خود پیروز شده بودند تا اینکه خدای متعال، اسلام را به وسیله پیامبرش علنی کرد. بنی سلیم طبق عادتشان همان کار را برای مقابله با لشکریان رسول خدا (ص) انجام دادند. زمانی که زنبورها به سمت لشکریان اسلام حرکت کردند، رسول خدا صدا زد: کجاست «یعسوب الدین»؟ کسی پاسخ حضرت را نداد. حضرت دوباره صدا زد: کجاست «أمير نحل»؟ باز کسی پاسخ نداد. در این هنگام رسول خدا (ص) فرمود: کجاست علی بن ابی طالب؟ وقتی علی (ع) این ندای رسول خدا (ص) را شنید، شمشیر ذوالفقارش را برداشت و به سمت زنبورها حمله ور شد. زنبورها بازگشته و به سمت بنی سلیم رفتند و آنها را نیش زدند. لذا بنی سلیم مجبور به فرار شدند. به این صورت بود که خدای متعال بلندی‌های بنی سلیم را توسط علی (ع) فتح کرد. پس از فتح و پیروزی اصحاب از رسول خدا (ص) پرسیدند: ای رسول خدا! چرا علی (ع) را یعسوب نامیدی و حال آنکه یعسوب مربوط به زنبور عسل است؟! حضرت در پاسخ، فرمود: مؤمن همانند زنبور عسل است؛ جز از پاکی‌ها تناول نمی‌کند و از اونیز چیزی جز طیب و پاک خارج نمی‌شود (شبیانی، ۱ / ۶). ابن ابی البرکات در پایان می‌گوید: از همین زمان و به خاطر این واقعه بود که علی (ع) «یعسوب الدین» و «أمير النحل» لقب گرفت (شبیانی، ۱ / ۶).

نتایج مقاله

«یعسوب» در لغت به معنای امیر زنبورهای عسل است و به طور مجازی بر رئیس هر قوم نیز اطلاق می‌شود. در کلام رسول خدا (ص) دو تعبیر «یعسوب الدین» و «یعسوب المؤمنین» بر علی (ع) اطلاق شده است.

- ۴۷- سخاوهی، محمد بن عبد الرحمن، المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۵ق.
- ۴۸- سیوطی، عبد الرحمن، الجامع الصغیر، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۱ق.
- ۴۹- شجری جرجانی، یحیی بن حسین، الامالی، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ق.
- ۵۰- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه به کوشش محمد دشتی، قم: منتشر وحی، ۱۳۷۹ش.
- ۵۱- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۵ق.
- ۵۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- ۵۳- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
- ۵۴- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبة العلمیة الإسلامیة، بی تا.
- ۵۵- عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- ۵۶- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۵۷- فراہیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
- ۵۸- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۵۹- فیض کاشانی، محسن، التفسیر الصافی، قم: مؤسسه الهدای، ۱۴۱۶ق.
- ۶۰- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: مؤسسه دار الكتاب، ۱۴۰۴ق.
- ۶۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۳ش.
- ۶۲- کنائی، علی بن محمد، تنزیه الشریعة المرفوعة، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۳۹۹ق.
- ۶۳- متقدی هنایی، علی، کنز العمال، بيروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- ۶۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- ۶۵- محب طری، احمد، ذخائر العقیب فی مناقب ذوی القریب، قاهره: مکتبة القدسی، ۱۳۵۶ق.
- ۶۶- مفید، محمد بن نعمان، الامالی، بيروت: دار المفید، ۱۴۱۴ق.
- ۶۷- مناوی، عبد الرؤوف، فیض القدیر، مصر: المکتبة التجاریة الكبرى، ۱۳۵۶ق.
- ۶۸- نسائی، احمد بن شعیب، السنن الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱ق.
- ۶۹- نعمانی، ابن ابی زینب، الغیبة، قم: مهر، ۱۴۲۲ق.
- ۷۰- هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.

- ۱۹- ابن معازلی، علی بن محمد، مناقب علی بن ابی طالب (ع)، انتشارات سبط البی (ص)، ۱۴۲۶ق.
- ۲۰- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
- ۲۱- ابو الفرج اصفهانی، الأغانی، بيروت: دار احیاء التراث العربي، بی تا.
- ۲۲- اصفهانی، أبو نعیم احمد بن عبد الله، معرفة الصحابة، بيروت: دار النشر، بی تا.
- ۲۳- ابن حنبل، احمد، مستند احمد، بيروت: دار صادر، بی تا.
- ۲۴- إسکافی، محمد بن عبد الله، المعيار والموازنة، بی جا، بی نا، ۱۴۰۲ق.
- ۲۵- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بيروت: دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۲۶- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۰ق.
- ۲۷- بزار، احمد بن عمرو، مستند بزار، بيروت: مؤسسه علوم القرآن، ۱۴۰۹ق.
- ۲۸- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، مصر: دار المعارف، ۱۹۰۹م.
- ۲۹- بیهقی، احمد بن حسین، شعب الإیمان، بيروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ۳۰- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بيروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ق.
- ۳۱- جری جرجانی، یحیی بن حسین، الامالی، بيروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۳۲- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصلاح، بيروت: دار العلم للملائین، ۱۳۷۶ق.
- ۳۳- حاکم حسکانی، عیید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ۳۴- حاکم نیشابوری، ابو عبد الله، المستدرک علی الصحيحین، بيروت: دار المعرفة، بی تا.
- ۳۵- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
- ۳۶- همو، هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة (ع)، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- ۳۷- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بيروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- ۳۸- دارمی، عبد الله، سنن دارمی، دمشق: مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ق.
- ۳۹- دمیری، کمال الدین، حیاة الحیوان الکبری، بيروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- ۴۰- رامهرمزی، حسن بن عبد الرحمن، أمثال الحديث المروریة عن النبي (ص)، بيروت: مؤسسه الكتب الشفافیة، ۱۴۰۹ق.
- ۴۱- زیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ق.
- ۴۲- زجاجی، عبد الرحمن، امالي زجاجی، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۴۳- زرکشی، محمد بن عبد الله، الالکن المنشورة فی الأحادیث المشهوره، بيروت: دار الكتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
- ۴۴- زرندی حنفی، محمد بن یوسف، نظم درر السقطین، بی جا، بی نا، ۱۳۷۷ق.
- ۴۵- زمخشیری، محمود بن عمر، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، بيروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۲ق.
- ۴۶- سبط ابن جوزی، یوسف، تذكرة الخواص، تهران: مکتبة نینوی الحدیث، بی تا.